

بسم الله الرحمن الرحيم

(محرم ۱۴۳۹ ه.ق - ده شب با دولت ظهور)

۶ مهر ۹۶

خطبه‌ی شب هفتم

حمد و سپاس بر رحمت واسعه‌ی پروردگار یگانه که همواره بر جان بندگان خویش نوید نجات را مژده می‌دهد و برکاتش در لحظاتی است که قلب زمان اسرار خویش را در نماد جان‌های عاشق به همگان می‌نمایاند؛ عاشورایی را به رهبری امام عاشقان با سرودهای عاشقانه در عرصه‌ی زمان ثبت و حرارتش را در دوران‌ها برکت جان‌ها قرار می‌دهد، جان‌هایی که ذخیره‌ی جانشان را گم کرده و به آنان متوسل می‌شوند تا گم کرده‌ی خود را بیابند و در صورتی آن را پیدا خواهند کرد که رسم اطاعت و بندگی قرآن کریم را آموخته باشند.

حال که در دهه‌ای هستیم که عاشقان حق حماسه آفریدند به دنبال جان مطهری که پایه‌گذار آن بود می‌گردیم. آن جان، جان کوثر الهی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) است که مقام و شأنش از درک و عقل فراتر است و فقط خداوند کریم و پیامبر گرامی اسلام و امامان و خود ایشان قادر به درک و بیان آن است پس مزین می‌کنیم سخنان را به فرموده‌ی خودشان که فرمودند: فاطمه را بشناسید تا الست و قیامت برایتان معنا شود. در اعتراض به وجود من پروردگار کریم سوره‌ی کوثر را نازل فرمود. پیامبران الهی امانت‌داران حقیقت آفرینش هستند که آن را از انوار مادرشان به ارث می‌برند و میراث همگی در جعبه‌ی جان من به امانت است تا در فرمان قیامت، به آنان مسترد گردد.

بله گوشه‌ای از فضایل و بزرگی ایشان بود از زبان خودشان، ولی متأسفانه دشمنان و دوستان جاهل تحریفاتی در مورد شخصیت ایشان نموده‌اند که تأسف آور است در اینجا به چند نمونه از این تحریفات می‌پردازیم:

به طور مثال دفاع ایشان از امامت و غدیر را دعوای فدک آورده‌اند یا گفته می‌شود ایشان در روز قیامت با پیراهن خونین اباعبدالله الحسین (ع) به محشر می‌آید و از

خداوند طلب حق می‌کند که خود ایشان در این مورد فرموده‌اند: باید بدانید کسی را جرأت خواستن حق، از خداوند نیست؛ من نیستم که در قیامت حق را طلب می‌کنم بلکه خداوند بزرگ است که از حریم خویش خواهد پرسید؛ ما همه متعلق به او هستیم و به سوی او بر می‌گردیم پس در رفتارهایتان جز به حق نگروید و جز حق را نگوئید، این فرمان قرآن است که پیروی کنندگان از قرآن پیروزمندان صحرای قیامت‌اند.

حال به اذن الله و به اذن رسول الله و به اذن مولایمان امام عصر و زمان (عج) خطبه‌ی امشب را می‌خوانیم:

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شب هفتم

حم؛

سلام بر ذخایر حق؛ گنجینه‌هایی که کلید رمز آن را نگشودند؛ جلالتش را در دوران‌ها ذخیره فرمودند تا منتظرانش به دنبالش روان گردند و به پاس این مرحمت پروردگار سر بر خاک عظمتش ساینند و نامش را مرهم زخم‌های دوران‌های خالی از جلوه‌ی حق بخوانند و دست مهربانش را بر سینه‌های پرحرارت خویش بچسبانند و از غربتی شکوه کنند که مردمان بر این الطاف حق، رازهایی از جانشان را آشکار کردند و پاسخی نشنیدند؛ صورت‌های خویش را بر قبور متبرکشان چسبانیدند و صدایی از حق را در ظلمت وجودشان احساس نکردند؛ به دنبال وجود گم گشته‌ی خویش بار سفر بستند و هر بار تنهاتر از قبل بازگشتند و درمان جان بیمارشان را نیافتند. نامی که پروردگار عالم برگزید و باز یک نفر سرآغاز برکتی عظیم گردید. او آمد و بر سینه‌ی پرمهر پیامبر (ص) آیتی شده از آیات قرآن کریم. او کیست که پروردگار عالم جان مطهرش را از اهل عالم مخفی فرمود تا خاک کوی‌اش مقتدایی جز حق را در خود جای ندهد؟ او را چگونه شناخته‌اید؟ آیا داشتن عنوان ام ابیها افتخار این گنجینه‌ی بی‌پایان است و یا مادر فرزندی چون اباعبدالله و یا دخت پیامبر بودن و هزاران عنوان دیگر

که عالم از شمارش آن در حیرت است؟ کدام قلم در مقابل قلم پروردگار عالم قادر است تا وجود با برکتش را توصیف کند؟ نامش را خالقش برگزیده و وجودش را از عرش به فرش فراخوانده تا زمینیان از انوارش ظلمت وجود خویش را به ملکوتی که از آن رانده شدند پیوند کنند. آیا توان درک آن را دارند؟ هیئات که همواره مشغول بازی با خطرناک‌ترین واژه‌های خلقت‌اند و خود در نمی‌یابند چه آنان که در خانه‌ی پیامبر بودند و چه دوران‌ها و زمان‌هایی که در تماشای حق و باطل واماندگان دهرند؛ عقل ملکوتی‌شان در نفس اماره به ذره‌ای تبدیل شد و آن ذره در احساساتشان نام خویش را به جهل بدل کرد و آنچه باقی ماند خشم آفریدگار بود بر خلیفه‌ای که روزگارش را در عشقی سپری کرد که نامش را از عزتی که داشت به زیر کشید و او را سرگردان بین حق و باطل خواند و اینک دریای احسان پروردگار را به مدد می‌خواند تا شاهدهی بر پیروزی حق باشد و برای آن حق شهادت دهد. چگونه می‌توان زخم این جهل خطرناک را از دوران پاک کرد؟ هرگز قدرتی قادر نخواهد بود به این ماتم غلبه کند جز اراده‌ی پروردگار عالم که انسان‌ها را در آنچه می‌پیمایند آزاد خوانده است پس به دامن کبریایی‌اش چنگ می‌زنیم و با ناله‌ای که روح، آن را می‌شناسد اعلام می‌داریم: ای پروردگارمان، چگونه اذنه‌مان می‌دهید تا نام زهرای مرضیه را بخوانیم؟ چگونه او را بشناسیم؟ مادری که خود فرموده: آفرین بر میوه‌ی جانم که سرِ پر شورش نشانی بود از قلب پرالتهاب زهرا (س) و آن سرِ پر شور بر قامتی جز بارگاه عزت پروردگار استوار نبود پس گره‌ی این جهل چگونه باز خواهد شد و جان عاشقان اهل‌بیت به انوار وجود مولایشان از آن ظلمت نجات خواهد یافت؟ برای استجاب و رسیدن به کمال عقل می‌خوانیم:

اللهم عجل لولیک الفرج